

معیارهای انتخاب همراه زندگی از منظر حضرت خدیجه علیها السلام قدرت الله حیدری*

چکیده

ازدواج در زندگی انسان‌ها از اهمیتی ویژه برخوردار است و ازدواجی به سرانجام خواهد رسید که از معیارهای مهم در انتخاب همسر برخوردار باشد. با در نظر داشت همین موضوع، این پرسش مطرح است که معیارهای انتخاب همسر از منظر حضرت خدیجه علیها السلام چه موضوعاتی بوده است. اولین معیار از منظر آن حضرت این است که گام‌های ابتدایی را در زندگی باید با شناخت برداشت و یکی از راه‌های شناخت بهتر این است که شریک زندگی انسان از نزدیکان و خویشان او باشد. اصالت نسبی و خانوادگی از معیارهای مهم دیگری است که حضرت خدیجه علیها السلام روی آن تأکید داشت. امانت‌داری از دیگر معیارها است که حضرت خدیجه آن را بازگو می‌کند و اساساً بدون امانت‌داری، زندگی آرام و مطمئن امکان‌پذیر نخواهد بود. حسن خلق از آن معیارهایی است که زندگی مشترک را در برابر ناملازمات روزگار بیمه می‌کند و حضرت خدیجه علیها السلام نیز روی آن انگشت گذاشته است. از صفات دیگر که خدیجه طاهره بر آن مصر است، صداقت و راستگویی است؛ زیرا راستگویی اساس همه خوبی‌ها است؛ چنانکه دروغ و نیرنگ ریشه تمام بدبختی‌ها و نامردی‌ها و نامرادی‌ها است. این معیار عصاره‌اش در محبتی قرار می‌گیرد که باید میان زن و شوهر باشد و حضرت خدیجه نیز محبت خود به پیامبر را یکی از معیارها و علل انتخاب آن حضرت معرفی کرده است. واژگان کلیدی: پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت خدیجه علیها السلام، معیار انتخاب همسر، محسنات اخلاقی، سیره اخلاقی، ازدواج.

مقدمه

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سعادت و خوشبختی و یا شکست و ناکامی بسیاری از خانواده‌ها را از ابتدای تشکیل خانواده و زندگی مشترکشان می‌توان پیش‌بینی کرد. به بیان دیگر، بسیاری از مشکلات آن‌ها قابل پیشگیری خواهد بود. به همین جهت، امروزه آموزش پیش از ازدواج زوج‌های جوان، یک ضرورت مسلم تلقی می‌شود. هر اندازه زن و مرد اطلاعات بیشتری در جهت شناخت خود و همسر آینده‌شان داشته باشند و ملاک‌های معقول‌تری را برای انتخاب همسر در نظر بگیرند، در زندگی زناشویی خود با مشکلات و ناسازگاری‌های کمتری مواجه خواهند بود. یکی از آفت‌هایی که امروزه دامنگیر جوانان شده است، تصمیم‌های عجولانه و از روی هوس صرف و عدم شناخت کافی از همدیگر و نداشتن معیار و شاخصه‌های لازم در انتخاب همسر است.

یکی از ازدواج‌هایی که برای همیشه تاریخ می‌تواند الگو برای جامعه بشر باشد، ازدواج مبارک حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است؛ زیرا این ازدواج برخاسته از هوا و هوس‌های لحظه‌ای یا انگیزه‌های مادی و طایفه‌ای نبود، بلکه نتیجه شناختی عمیق و دقیق است که بر اساس اهداف و ارزش‌های انسانی و اعتقادی به وجود آمده بود. خدیجه علیها السلام گرچه همانند سایر ساکنین مکه، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را می‌شناخت و اوصاف آن حضرت را دیده و شنیده بود، اما به شناخت ظاهری و آنچه که در بین مردم معروف بود، اکتفا نکرد بلکه مدت‌ها در مورد حضرت محمد صلی الله علیه و آله تحقیق نمود. از زمانی که آن حضرت وارد کاروان تجاری خدیجه علیها السلام شد خادمان و غلامان این بانوی بزرگ، به دقت رفتار، گفتار و انصاف پیامبر صلی الله علیه و آله را با زیردستان و سایر شرکا، و نیز ایمان و اعتقادش به خدای سبحان را به دقت زیر نظر داشتند. بنابراین آنان به شناخت ظاهری و گفته‌های مردم اکتفا نکردند بلکه پس از شناخت دقیق و کامل نسبت به همدیگر، ازدواج نمودند.

الف. آگاهی حضرت خدیجه علیها السلام از نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله در آینده

از حضرت امام صادق (علیه السلام) درباره شخصیت حضرت خدیجه و این که ازدواج او با پیامبر از سر آگاهی و شناخت بود، چنین رسیده است: «او [خدیجه] سالار بانوان قریش است که تمام دلاوران و زمامداران از او خواستگاری نمودند ولی با کسی ازدواج کرد که خبر بشارت (نبوت) او را از بحیرا دریافت نموده بود...» (حمیری، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۷، ص ۲۳۰).

خدیجه از طرق کتب ادیان گذشته، مشاوره با بزرگانی چون ورقه بن نوفل^۱ و مطالعه شخصی و

۱. «و كان لخديجة عم يقال له ورقة و كان قد قرأ الكتب كلها و كان عالماً حبراً و كان يعرف صفات النبي الخارج في آخر الزمان» (مجلسی، ۱۴۰۴ هـ ج ۱۶، ص ۶۱، باب ۵، تزوجه بخدیجة).

خصوصی در رفتار و اخلاق محمد صلی الله علیه و آله دریافته بود که محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خاتم، و رسول آخرالزمان و دارای برترین اخلاق است؛ به این جهت به ازدواج با او اقدام کرد.

حضرت خدیجه نه تنها از آینده روشن پیامبر به صورت اجمالی با خبر بود، که دقیقاً از نبوت آن حضرت در آینده خبر داشت. روزی به هنگام مشاوره با ورقه درباره ازدواج با محمد صلی الله علیه و آله از ناهمگونی مالی او با محمد سخن در میان آمد. خدیجه گفت: «عموجان اگر من به آرزوی خویش برسم و با این جوان با فضیلت ازدواج کنم، تمام ثروت خویش را فدای او می‌کنم. ورقه در پاسخ گفت: «در این صورت بخدا سوگند سعادت‌مند و رشد یافته و بهره برنده خواهی بود بخاطر (ازدواج) با نبی بزرگوار»^۱. به این جهت است که وقتی پیامبر مبعوث به رسالت شد، خدیجه علیها السلام عرض کرد: «از دیر باز (در انتظار این امر بودم و) این را می‌شناختم و صریحاً ایمان خود را اعلام کرد؛ ایمان آوردم و تصدیق کردم (محمد را) راضی و تسلیم (امر الهی) شدم» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۱۹۶، ح ۲۲۳).

ازدواج خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر نیاز مالی و موقعیت اجتماعی نبود؛ زیرا عده بسیاری از صاحب منصبان و سرمایه‌داران و بزرگان مکه درخواست ازدواج با او را داشتند و آن بانوی بزرگ به همه آن‌ها جواب رد داده بود. در واقع خدیجه برای همسر آینده خود ملاک‌ها و معیارهایی در نظر داشت که بر اساس آن معیارها شریک زندگی آینده‌اش را شناسایی و انتخاب نمود. حضرت خدیجه طی سخنانی خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله معیارهای مورد نظر برای انتخاب همسر را این چنین بیان می‌کند: «به خاطر خویشاوندیت با من، بزرگواریت، امانتداری تو در میان مردم، اخلاق نیک و راست گویت، مایلم با تو ازدواج کنم» (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۱؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۲۱).

در جای دیگری، وقتی زنان مکه به خدیجه علیها السلام طعنه می‌زدند او را تمسخر می‌کردند که چرا با یتیم عبدالله ازدواج کرده، در جواب آن‌ها می‌گفت: «آیا کسی را مانند محمد صلی الله علیه و آله در نیکویی، نیک رفتاری، خصلت‌های پسندیده و فضیلت و شرافت در تمام سرزمین عرب سراغ دارید؟» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ص ۱۶).

ب. معیارها و شاخص‌های مهم در انتخاب همسر

یکی از مباحث مهم در ازدواج و تشکیل زندگی مشترک، داشتن معیارهای و شاخص‌های مهم برای هر دو طرف در ازدواج است. حضرت خدیجه نیز در ازدواج با پیامبر مکرم صلی الله علیه و آله معیارهایی را در نظر داشته است که به اختصار بررسی می‌کنیم.

۱. (اذن‌والله تسعدین و ترشدین و تحظین بنی کریم) (مجلسی، ۱۴۰۴ هـ ق، ج ۱۶، ص ۳۵، ۹۳، ۲۳ و ۲۴).

۱- رابطه خویشاوندی (شناخت)

اسلام ازدواج با محارم، مانند خواهر و برادر و فرزندان آنها و همچنین خاله و عمه و عمو و دایی، و پدر و مادر و جد و جده را تحریم نموده است؛ اما ازدواج با خویشان غیر محرم، مانند دختر عمو و پسر عمو و دختر خاله و پسر خاله و دختر عمه و پسر عمه و دختر دایی و پسر دایی و سایر خویشان دور و نزدیک را تجویز کرده است. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا بهتر است انسان حتی المقدور با افراد فامیل خودش وصلت کند و یا با غیر فامیل. بدون شک ازدواج با فامیل، مزایایی دارد:

الف) افراد فامیل شناخت بهتر و بیشتری از اخلاق و رفتار یکدیگر دارند؛ زیرا غالباً معاشرت و رفت و آمد دارند؛

ب) به وسیله ازدواج با فامیل ارتباط فامیلی مستحکم می‌شود و این امر نوعی کمک و صله رحم محسوب می‌گردد که در اسلام نیز بدان توصیه شده است؛

ج) در مقدمات و لوازم ازدواج مانند مهریه و جهیزیه و عقد و عروسی غالباً نسبت به یکدیگر تسهیلات و همکاری بیشتری مبذول خواهند داشت؛

د) در اثر خویشاوندی ازدواج آنها استوارتر خواهد بود و به رعایت آداب و اخلاق زندگی و عفو و گذشت تقید بیشتر خواهند داشت.

ه) طلاق و جدایی در این گونه ازدواج‌ها کمتر خواهد بود (امینی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۶)؛ زیرا در صورتی که بین زوجین اختلاف و نزاعی به وجود آید، بزرگان فامیل پا در میانی می‌کنند و بین شان صلح و آشتی برقرار می‌سازند. این گونه امتیازها سبب شده که بسیاری از مردم سعی کنند حتی المقدور با افراد فامیل ازدواج نمایند.

با وجود این مزایا، معایبی نیز برای ازدواج‌های فامیلی وجود دارد. پزشکان امروز، ازدواج با خویشان خیلی نزدیک را توصیه نمی‌کنند و آن را باعث متولد شدن فرزندان معیوب می‌دانند و البته این پزشکان نیز معتقدند که این حکم کلیت ندارد بلکه آمار متولد شدن فرزندان معیوب در ازدواج فامیلی بیشتر می‌باشد نه این که از لازمه قطعی آن باشد چنان که میان دوزوج دور نیز چنین احتمال ضعیف داده می‌شود (همان، ص ۱۴۷).

با این حال، حضرت خدیجه رضی الله عنها، موضوع خویشی و قرابت نسبی را یکی از معیارها و شاخص‌های مهم در انتخاب همسر می‌داند. وی زمانی که تصمیم گرفت خواسته خویش را که به صورت بسیار ظرافتمندانه با پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در میان گذارد از موضوع خویشاوندی و پیوند نسبی که با حضرت داشت، سخن گفت. در بحار چنین می‌خوانیم: «گفت: آقای من آیا رضایت

می‌دهی زنی را که قلباً خوب می‌دانم برایت خواستگاری کنم. فرمود: بلی. گفت: همسری برای تو یافته‌ام که اهل مکه و از قوم توست ... و به کم نسبت به تو قانع است ولی نسبت به غیرت به زیاد هم قانع نمی‌شود و او زنی است که در نسب به تو نزدیک است ... فرمود: کیست؟ نام ببر. عرض کرد: او کنیزت خدیجه است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۳، ص ۴۶۳ و ج ۱۶، ص ۱۳-۱۴، ح ۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۰، کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵، ح ۳۷۴ باب خطب النکاح، ص ۳۱۹).

چنانکه باز از خدیجه علیها السلام در رابطه معیار این انتخاب مهم، نقل شده که به پیامبر عرض کرد: «ای عموزاده! من به خاطر خویشاوندی، به تو رغبت دارم» (ابن هشام، همان؛ طبری، همان).

البته نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که هرچند در این نقل، خدیجه پیامبر را عموزاده، «ابن عم»، خطاب کرده یقیناً پیامبر و خدیجه دخترعمو و پسرعمو نبوده‌اند؛ چون پیامبر عمومی به نام خویلد ندارد. بلکه خدیجه با واسطه دختر عموی پیامبر است، یعنی پدر بزرگش اسد، عموزاده پدر بزرگ پیامبر است. بنابراین، خدیجه با پیامبر، خویشاوندی داشته و هم خویشاوندی را معیار ازدواج در نظر گرفته است.

۲- شرافت و اصالت خانوادگی

یکی دیگر از اصول و ضوابطی که برای انتخاب همسر آینده بسیار مهم است، انتخاب همسر بر اساس نجابت و اصالت خانوادگی است. به این معنی که شریک زندگی آینده و همسر از خانواده‌ای اصیل و ریشه‌دار باشد که در بین مردم به شرافت و پاکی و شایستگی اخلاق معروف باشند؛ زیرا مردم در واقع، مانند معادنی هستند که از لحاظ اصالت و حقارت، فساد و سلامت اخلاقی باهم متفاوت‌اند. از دیدگاه اسلام، شایستگی فردی داوطلب ازدواج برای تشکیل خانواده موفق کافی نیست و لازم است علاوه بر دختر و پسر، خانواده آنان نیز از صلاحیت و اصالت برخوردار باشند. دلیل اهتمام اولیای دین به شایستگی خانوادگی این است که ویژگی‌های خانواده از طریق ژن‌ها به فرزندان منتقل می‌شود و بهره‌مندی فرزندان از خصایص نیکوی اخلاقی، دلیل پاکی وراثت و فضیلت ریشه خانوادگی آنان است (فلسفی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۳۵۹؛ طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۷).

علاوه بر انتقال خصوصیات از طریق وراثت، نوع تربیت خانواده نیز از مهم‌ترین عناصر تربیت و در پرورش فرزند اثرگذار است (حسین خانی نایینی، ۱۳۸۹، ص ۲۱-۴۴). در بیان ائمه اطهار علیهم السلام، پدر و مادر از چنان تأثیر تربیتی بر فرزند خود برخوردارند که می‌توانند او را یهودی، مسیحی و یا مجوسی پرورش دهند (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۹).

از سویی دیگر، ازدواج تنها زندگی با یک فرد نیست، بلکه ازدواج با یک فرد، پیوند با یک

خانواده و فامیل و نسل است (مظاهری، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۱۵). بنابراین، ازدواج با فردی از خانواده ناصالح که می‌تواند منجر به بروز تنش‌هایی در خانواده شود، به‌رغم برخورداری خود فرد از جذابیت‌های فردی، مورد نهی منابع اسلامی قرار گرفته است (کلینی، بی تا، ج ۵، ص ۳۳۲). البته لازم است علاوه بر دقت در شایستگی‌های والدین و خواهران و برادران فرد مورد نظر، صلاحیت سایر بستگان مانند دایی و خاله نیز مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا از دیدگاه اولیای دین، فرزندان شباهت زیادی به دایی و خاله خود دارند (کلینی، همان؛ هندی، ۱۳۹۷، ج ۱۶، ص ۲۹۵، به نقل از: محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ص ۸۰).

حضرت خدیجه علیها السلام در همان جمله معروفش بعد از ذکر موضوع خویشاوندی و پیوند سببی به اصالت خوانوادگی اشاره می‌کند: «ای پسر عمو، من به خاطر خویشاوندی، شرافت تو در بین مردم... به تو تمایل پیدا کردم» (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۹). حضرت ابوطالب نیز به این شرافت خوانوادگی اشاره می‌کند: «حمد و ثنا صاحب این خانه (کعبه) را که ما را از پشت ابراهیم و ذریه اسماعیل قرار داد... این برادر زاده من - یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله - کسی است که سنجیده نشود با مردی از قریش، مگر اینکه برتر آید و مقایسه نشود با مردی، مگر این که عظیم‌تر از او آید. و او را همتایی در میان آفریدگان نباشد...» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۰، ص ۷۰۲). این شرافت خوانوادگی، یکی از شاخصه‌ها است که باید بدان توجه کرد و سراغ هر خانواده‌ای نرفت؛ زیرا این فرهنگ حاکم بر خانواده زن است که بخش اعظم از شخصیت فرزندان را شکل می‌دهد و اگر آن خانواده از بار فرهنگی خوبی برخوردار باشد، فرزندان نیز آینده‌ای درخشان را در پیش خواهد داشت.

حضرت خدیجه علیها السلام قبل از این که تصمیم قطعی برای ازدواج با پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بگیرد نیز به این شرافت و بزرگی آن حضرت واقف بود و رفعت مکان وی را درک کرده بود و برای همین به غلامان خود میسر و ناصح در هنگامی که آن حضرت را به عنوان سرپرست کاروان تجاری خویش انتخاب کرده بود به این مسئله اشاره و تأکید می‌کند: «من امینی بر اموال خود گماشتم، همو که امیر بزرگ قریش است، دستی بالای دست او نیست. اگر تصمیم بر فروش متاعی بگیرد، نباید کسی مانع شود. اگر تصمیم گرفت چیزی بفروشد، کسی حق ندارد دستوری به او بدهد. شما موظفید با لطف و ادب با وی سخن بگویید، و روی سخن او سخنی نگوئید». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۲۹).

در جریان پیوند حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر گرامی اسلام نیز مردم مکه به ویژه زنان قریش حضرت خدیجه علیها السلام را مورد نکوهش قرار می‌دادند که چگونه حاضر شده است با پیامبر صلی الله علیه و آله که از ثروت مادی برخوردار نبود، ازدواج کند. اما آن حضرت انتخاب خویش را بر اساس ملاک‌های

آسمانی انجام داده بود که دیگران از آن آگاهی نداشته و یا نمی‌خواستند به آن التفات داشته باشند. بنابراین باید در انتخاب همسر بسیار دقت کرد و از خانواده‌ای دارای کرامت و شرافت و اصالت همسر را برگزید.

۳- امانت داری

امانت داری یکی از آن خصوصیات مهم و برجسته اخلاقی است. برخی کارآیی آن را چنان مهم پنداشته‌اند که آن را در ردیف عدالت و صداقت قرار داده‌اند و از اهمیت این فضیلت بسیار گفته و نوشته‌اند. از نظر ارزشی، امانت را می‌توان مبنای بسیاری از فضایل اخلاقی دیگر برشمرد. کسی که این اصول پایه اخلاقی را نداشته باشد، نمی‌توان امید داشت که دارای فضایل اخلاقی دیگر است. امانت سرمایه اصلی جامعه انسانی و سبب پیوند مردم با یکدیگر و نظم معاش و معاد آنها است، در حالی که خیانت آتش سوزانی است که همه پیوندها را از میان می‌برد و سبب هرج و مرج جامعه و فقر و ضعف و بدبختی است. امانت از صفاتی است که هم در رابطه خلق با خالق و هم انسان‌ها نسبت به یکدیگر و هم انسان نسبت به خودش و هم نسبت به محیط زیست او صادق است. کتاب‌های آسمانی و آیین‌های الهی امانت‌های خدا در نزد مردم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۷۳).

این صفت اخلاقی در انتخاب همسر نیز از شاخصه‌ها و معیارهای مهم به شمار می‌آید؛ زیرا با امانت‌داری زن و شوهر در کنار هم با اطمینان خاطر زندگی می‌کنند. برای همین است که حضرت خدیجه در آن جمله معروفش که معیار و شاخصه انتخابش را برای پیامبر گرامی اسلام بیان می‌کند، به امانت‌داری آن حضرت اشاره دارد: «به خاطر خویشاوندیت با من، بزرگواریت، امانت‌داری تو در میان مردم، اخلاق نیک و راست گویت، مایلم با تو ازدواج کنم» (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۹).

بی تردید این سخن حضرت خدیجه علیها السلام گزاف نبوده است؛ زیرا حضرت محمد صلی الله علیه و آله قبل از بعثت، در میان مردم آنچنان به درستی و امانت‌داری شهره شده بود که لقب «محمد امین» یافته بود (لوبون، ۱۳۴۷، ص ۱۰۱).

امانت‌داری در زندگی مشترک نقش اساسی دارد. مرد باید در قبال همسرش امانت‌دار باشد؛ زیرا به گفته حضرت علی علیه السلام زن امانت الهی است و باید همچون امانت‌های دیگر خداوند ارزشمند و قابل اکرام و احترام باشد و باید آن چنان که شایسته امانت‌گذار است از او محافظت و نگهداری شود. زیرا در قیامت خداوند متعال از امانت‌های خود سؤال می‌فرماید که با آنها چگونه

رفتار کردید. آیا حق امانت‌داری را به جا آوردید؟! «آنان امانت خدا در نزد شما هستند؛ بنابراین، به آنان گزند نزنید و با ایشان بدرفتاری نکنید.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ص ۴۲۴).

از طرف دیگر، زنان نیز در برابر مردان، امانت‌دار عفت خود و مال شوهرانشانند. بسیاری از دعوای خانوادگی که در نهایت کارشان به دادگاه کشیده می‌شود، از عدم امانت‌داری خانم‌ها سرچشمه می‌گیرد؛ فرقی ندارد که این خیانت مادی باشد یا معنوی. یکی از وظایف زن نسبت به همسر امانت‌داری است. مهم‌تر از همه اینکه وقتی اعتماد شوهر از زنش سلب شود، دیگر نه رازش را به او می‌گوید و نه پولش را در اختیارش قرار می‌دهد. همین موضوع کافی است که بنیان‌های خانواده‌ای به باد برود.

زن در برابر شوهر وظایفی دارد که یکی از آنها حفظ مال اوست. چنان که در قرآن آمده است: «زنان صالح کسانی هستند که متواضع بوده و در غیاب همسر خود حفظ اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده رعایت می‌کنند.»^۱ در این آیه شریفه، زنان صالح و درستکار این طور معرفی شده‌اند. آنان زنانی فروتن بوده و در برابر خانواده خود متعهدند و نه تنها در حضور مرد خانواده بلکه در غیاب او حفظ الغیب می‌کنند. یعنی در برابر دارایی، ناموس و هر چیزی که به شخصیت مرد مربوط است، امانت‌دارند و وظایف خود را به درستی انجام می‌دهند (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۳۲۷؛ حمیری، ۱۴۱۳، ص ۲۰). عفت برای زنها نه تنها امانت شوهرش بلکه امانت یک فرهنگ و تمدن بزرگ انسانی است و به گفته شهید مطهری: «زن به عنوان یک صاحب عفت، حامل یک امانت بزرگ انسانی است نه دارای یک امر شخصی که اگر از آن بگذرد از شخص خودش گذشته؛ اگر بگذرد، به یک امانت انسانی خیانت کرده است» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۲، ص ۷۹۰).

امیرالمؤمنین برای این که زنان این امانت را حفظ کنند، پیشنهاد زیبایی دارد: «بهترین خصلت‌های زنان، بدترین خصلت‌های مردان است؛ [یعنی] تکبر، ترس، بخل. اگر زن متکبر باشد، خود را در اختیار کسی نگذارد؛ اگر بخیل باشد، اموال خود و شوهر را حفظ کند؛ و اگر ترسو باشد، از هر پیشامدی فرار کند» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۴).

از آیه سوم سوره مبارکه تحریم نیز که افشای راز پیامبر اسلام ﷺ توسط یکی از همسرانش را به نحوی بر ملا می‌کند، مشخص می‌شود که زن اجازه ندارد اسرار و مسائل پنهانی همسرش را به دیگران خبر بدهد و لازم است حافظ رازهای او باشد (تحریم، ۳).

۱. «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ» (نساء، ۳۴).

۴- حسن خلق

نقش حسن خلق در تأمین سعادت زندگی زناشویی، بسیار عمیق و فراگیر است و بر تمام شئون زندگی، از قبیل روابط اخلاقی زن و شوهر و نیز شیوه تربیت فرزندان اثر می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین روش‌های حل مشکلات و درگیری‌های خانوادگی، خوش برخوردی و رفتار نیکوست. با آب نیک‌خویی می‌توان آتش خشونت و کدورت را خاموش کرد و محیطی آکنده از صفا و دوستی به وجود آورد و زندگی را شیرین و گوارا ساخت.

یکی از معیارهای انتخاب پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از سوی حضرت خدیجه علیها السلام خلق خوش آن حضرت است (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۱؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۲۱) که در قرآن کریم نیز به عنوان خلق عظیم (قلم، ۴) یاد شده است. خود آن حضرت نیز هدف از برانگیخته شدنش را اتمام و کمال اخلاق بزرگوارانه معرفی کرده است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۱، ص ۳۸۲). همه می‌دانیم که یکی از بزرگترین عوامل پیشرفت اسلام «حسن خلق» و رفتار پسندیده پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. همان‌طور که خداوند متعال بسط و گسترش اسلام را با اخلاق نیکوی پیغمبر نسبت می‌دهد: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَاقْتَضُوا مِنْ حَوْلِكَ؛ اگر تو تند و خشن بودی مردم از پیرامونت پراکنده می‌شدند» (آل عمران، ۱۵۹).

با خوش خلقی مرد، زن در کنار شوهرش احساس آرامش و لذت کرده و زندگی پاک و مطلوب را تجربه می‌کند و هیچگاه زمینه این که از نظر عاطفی به سمت و سوی دیگر کشیده شود، باقی نمی‌ماند. ولی همین که به جای صفت خوش خلقی، خوی و منش فرعون‌ی و بدخلقی و بدخویی جای آن را بگیرد، یک زن از نظر عاطفی احساس کمبود کرده و آن را در وجود مردان نامحرم جستجو می‌کند. این جاست که می‌توان گفت که سر آغاز خیانت و فساد در یک خانواده همانا بداخلاق و خوی تند شوهر و یا زن است. در مقابل نیز اگر یک زن بداخلاق باشد، شوهرش نیز احساس دلگرمی و لذت و آرامش را در کنار او نخواهد داشت. این جاست که شوهر نیز برای ارضای غرائزش متوسل به حرام می‌گردد و آن میل و رغبت دیگر بسوی همسرش نخواهد داشت. رسول اکرم صلی الله علیه و آله بزرگ‌ترین و شریف‌ترین انسان‌ها را کسانی می‌داند که نسبت به خانواده خویش خوش رفتار باشد و در مدح اهمیت خلق نیکو در میان زوجین می‌فرماید: «بهترین شما کسی است که با خانواده‌اش خوش رفتار باشد و من از همه شما با خانواده‌ام خوش رفتارترم. زن را گرامی نمی‌دارد مگر مرد بزرگوار (با اخلاق) و او را سبک نمی‌شمارد مگر مرد پست و لثیم» (صفری، ۱۳۹۷، ص ۲۰۷).

آن حضرت بدخلقی نسبت به خانواده را موجب از بین رفتن خوبی‌های زندگی، و رفتار خوب

را موجب رضایت الهی و نصرت او ذکر می کند و می فرماید: کسی که خانواده و فرزند خود را ضایع کند و با آنان بدرفتار باشد، از رحمت خدا دور می شود. خانواده (زن و فرزند) اسیران اویند و دوست واقعی خداوند کسی است که با اسیران خود به نیکویی و صمیمیت برخورد کند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۴، ص ۱۲۱).

۵- صداقت و راستی

صداقت و راستگویی، از مهم ترین فضیلت های اخلاقی و انسانی است. صداقت از مهم ترین کمالات انسانی است و به معنای یگانگی نیت، گفتار و کردار و شاه کلید روابط انسانی سالم است و در زندگی خانوادگی نیز، از جایگاه ویژه ای برخوردار است و باعث استحکام بنیان خانواده می شود.

حضرت خدیجه نیز هنگامی که پیشنهاد ازدواج به آن حضرت می داد و شیفتگی خود را با معیارها و شاخص های انتخاب خود را به آن وجود گرامی اعلام می نمود، با تأکید بر صداقت و راستی آن بزرگوار بود. «به خاطر خویشاوندیت با من، بزرگواریت، امانتداری تو در میان مردم، اخلاق نیک و راست گویت، مایلم با تو ازدواج کنم» (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۹). در ابتدا همین صداقت و امانتداری او باعث شده بود تا در تجارت خانه حضرت خدیجه راه پیدا کند؛ زیرا رسول خدا ﷺ از کودکی تا هنگام بعثت، همواره به راستی و درستی معروف بوده، مورد ستایش مردم قومش بود. ابوطالب - عموی پیغمبر - که سال ها سرپرستی پیامبر خدا ﷺ را به عهده داشت می گوید: «هرگز از او دروغی نشنیدم، و خلقی از اخلاق جاهلیت را در او ندیدم...» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۳۳۵-۳۳۶) وی در آن هنگام که رسول خدا ﷺ مردم را از ظلمات به سوی نور فرا می خواند و برخی از عموهای پیامبری ﷺ از سر تعصب او را تکذیب کردند و دروغگویش می خواندند، در دفاع از رسول خدا ﷺ چنین سرود:

انت الامین امین الله لا کذب
و الصادق القول لا لهوا و لا لعب
انت الرسول رسول الله نعلمه
علیک منزل من ذی العزه الکشب

«تو امینی، امین خداوند که هرگز دروغی نگفته است و تو انسان راستگویی هستی که هرگز دچار هوسرانی و بیهوده گویی نگشته است. تو فرستاده حقی، می دانیم که فرستاده خدا هستی و آن چه می گویی از کتاب از جانب خداوند صاحب عزت بر تو نازل شده است» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۲۰۳).

البته صداقت و راستگویی رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی نبود که از انظار مردم مخفی بماند. همگان می دانستند که آن حضرت صلی الله علیه و آله جز راست نمی گوید و حتی دشمنان سرسخت وی نیز بدین امر اعتراف داشتند. طبق برخی منابع، ابوجهل به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «ما شخص تو را تکذیب نمی کنیم، بلکه آن چه را که آورده ای تکذیب می کنیم» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۲۸۲؛ زمخشری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۹-۱۰). هم چنین نقل شده، «روزی ابوجهل با پیامبر صلی الله علیه و آله ملاقات کرد. در این دیدار، او با حضرت مصافحه کرد. شخصی به او اعتراض کرد که چرا با محمد صلی الله علیه و آله مصافحه کردی؟ گفت: به خدا سوگند، می دانم که او راستگو و پیامبر خداست؛ ولی ما چه زمانی تابع عبد مناف بودیم؟» (سیوطی، همان، ج ۳، ص ۹-۱۰؛ ابن ابی حاتم، همان، ص ۱۲۸۳). این روایت به خوبی در بردارنده این مطلب است که راستگویی آن حضرت بر همگان حتی برای دشمنانش امری قطعی و مسلم بوده است و مخالفتشان پایه و اساسی نداشت؛ مگر حسادت و رقابت های قبیله ای و خانوادگی.

در برخی منابع روایت شده که ابوسفیان نیز به رغم میلش در جواب هرقل - امپراتور روم - که از او پرسیده بود آیا پیش از آن که محمد صلی الله علیه و آله ادعای پیامبری کند، نزد شما به دروغ گویی متهم بود یا نه، رسول خدا صلی الله علیه و آله را به راستی و درستی ستوده بود (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۳۸۵؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۴۷). به گفته ابن عباس، کفار مکه خوب می دانستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز دروغ نمی گوید؛ او را امین می نامیدند؛ اما باز انکارش می کردند (زمخشری، همان، ج ۲، ص ۱۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۴۱۶).

در هر صورت، صداقت سنگ بنای زندگی مشترک است و حرف اول را صداقت و راستی میزند؛ زیرا بنایی که با راستی قلبها آغاز شود، پایان خوش و مبارکی خواهد داشت و اگر نه در ادامه مسیر، با تند بادهای بی اعتمادی و سوء ظن ویران خواهد شد. وظیفه ی یک زن و شوهر این است که در آغاز روابط زناشویی میان خود صادق باشند و بعد با عمل صادقانه و راست گویی که در زندگی پیشه کرده اند صداقت را به صورت یک شیوه و مدل زندگی به فرزندان خود بیاموزند؛ زیرا «راستگویی مایه صلاح هر چیز است» (آمدی، ۱۳۸۹، ص ۵۹). در مقابل، کذب و دروغ گویی را ریشه همه فسادها و سرچشمه همه تباهی ها است (همان).

۷- داشتن علاقه به همدیگر

دوستی و مهر ورزیدن یکی از نیازهای طبیعی وجود بشر است. براساس همین واقعیت قطعی یک نیروی نهانی او را به علاقه و دلبستگی نسبت به دیگران وامی دارد، و نمی شود با این تمایل که یک

حس طبیعی است مبارزه کرد. از این رو، باید این نیازمندی ارضا شود و هرکس با گروهی از هموعان روابط دوستانه برقرار ساخته و از انس و الفت آنها استفاده کند. دوستی منبع آرامش و یکی از بهترین لذت‌ها روحی است که پس از تجلی به مرور زمان قوت می‌گیرد و تکامل می‌پذیرد. در این دنیای پهناور چیزی گران‌بهارتر از آن نمی‌توان یافت.

این دوستی و یا مهر ورزیدن زمانی که در قالب یک زندگی مشترک و زناشویی تبارز می‌کند، بسی ارزشمند و سازنده است؛ زیرا دو کبوتر عاشق می‌توانند لانه خویش را با محبت بنا کنند و در زیر سقف دوستی با عشق تمام زندگی کرده و در کنار یک دیگر برای همیشه زندگی آرام گیرند و مهر و دوستی زن و شوهر چنان والا و ارزشمند است که خداوند در قرآن آن را نشانه‌ی خداوندی خود می‌داند: «و از نشانه‌های او، آن است که از خودتان برای شما جفت‌هایی آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میان شما محبت و مهربانی قرار داد. همانا در این امر برای مردمانی که می‌اندیشند، نشانه‌هایی [از وجود و قدرت خداوند] است» (روم، ۲۱).

یکی از معیارهای مهم در انتخاب همسر از منظر حضرت خدیجه رضی الله عنها محبت و علاقه‌مندی میان زن و شوهر است. این محبت و علاقه‌مندی شاید نتیجه و عصاره‌ای معیارها و ملاک‌های قبل باشد. یعنی با داشتن آن ملاک‌ها می‌تواند این معیار که وجود دوستی و محبت بین زن و شوهر باشد، پدیدار گردد. برای همین است که حضرت خدیجه در همان ابتدای جمله معروفش که معیارهای انتخابش را بیان کرده است، با این کلمات «یا بن عم انی رغبت فیک» آغاز می‌کند که حکایتگر علاقه‌مندی او به پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ یعنی به خاطر آن ملاک‌ها خدیجه میل و رغبت پیدا کرده است تا با پیامبر بزرگوار اسلام پیوند زناشویی برقرار سازد.

حضرت خدیجه در فرصت‌های مناسب به همسر گرامی خویش ابراز علاقه و محبت می‌کرد. او در قالب اشعاری زیبا درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مکنونات قلبی خویش را چنین ابراز می‌دارد:

فلوانسی امشیت فی کل نعمة	ودامت لی الدنیا و ملک الاکاسرة
فما سویت عندی جناح بعوضه	اذا لم یکن عینی لعینک ناظرة

«اگر تمام نعمت‌های دنیا و سلطنت‌های پادشاهان را داشته باشم و ملک آن‌ها همیشه از آن من باشد، به نظر من به اندازه بال پشه‌ای ارزش ندارد، زمانی که چشمانم چشمان تورا نبیند» (بکری، ۱۴۱۱، ص ۳۰۱).

خدیجه به رغم اموال و سرمایه فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه‌ای که در جامعه آن روز داشت، محبتش او را وامی‌داشت تا در رفتار و گفتار با رسول اکرم همواره خود را کنیزی ناچیز جلوه دهد که

خدا افتخار همسری او را به وی عطا کرده است. خدیجه در طول دوران زندگی مشترکش با پیامبر صلی الله علیه و آله، همیشه حرمت آن حضرت را پاس می‌داشت و کوچک‌ترین رفتاری که نشان‌دهنده پرخاشگری و یا برتری جویی باشد، از خود بروز نداد. جلوه عالی این رفتار را می‌توان در ماجرای عروسی آن دو سراغ گرفت. آن‌گاه که مراسم عقد و جشن پایان یافته بود و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌خواست به خانه عمویش ابوطالب برگردد، خدیجه ثروتمند که اینک همسر او شده بود، این‌گونه او را مخاطب قرار داد: «الی بیتک فیتی بیتک و انا جاریتک؛ به خانه خودت وارد شو، خانه من خانه تو است و من کنیز توام» (الهادی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۲۶۸؛ انصاری زنجانی، ۱۴۲۸، ج ۲۱، ص ۳۷۹) و البته این همه احترام و پاسداشت به خاطر عقیده و ایمانی بود که او به خدای سبحان داشت و بس.

البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که عشق و علاقه خدیجه به رسول خدا صلی الله علیه و آله یکطرفه نبود، بلکه محبت دو جانبه بود و ابوطالب رضی الله عنه در خطبه عقد به این محبت دو سویه اشاره کرده است (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۲۰). بنابراین، همان‌گونه که خدیجه نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله شناخت پیدا نموده و به حضرتش علاقه‌مند شده بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز کمالات خدیجه رضی الله عنها را دریافته و او را شایسته برای همسری خود می‌دانست. از این رو، او را از هر زن دیگر برای همسری خود مناسبتر دید، و با وی ازدواج کرد و او را همواره مورد احترام و تجلیل قرار می‌داد. رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ زنی را همتای خدیجه قرار نمی‌داد. او را ستایش می‌کرد و بر سایر همسران خود برتری می‌داد و در بزرگداشت و تکریم او بسیار می‌کوشید (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۲۲).

مؤلف تاریخ حبیب السیر محبت میان آن دو بزرگوار را چنین بیان می‌کند «و میان حضرت خیر الانام علیه الصلوة والسلام و خدیجه کبری رضی الله عنها الفت بی‌غایت و محبت بینهایت واقع شده خدیجه که اعقل و اجمل نسوان قریش بود از کمال اخلاص و دوستداری جمیع اموال و جهات خود را طفیل س‌ک‌ای‌نات گردانید و آن حضرت نیز پیوسته با او در مقام خاطر جوئی بوده در مدت مصاحبت مضمون کلمه کریمه (وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) معمول می‌داشت» (همان، ص ۳۰۵).

نتیجه

یکی از آسیب‌هایی که دامن جامعه جوان امروز را در انتخاب همسر فرا گرفته، تصمیم‌های عجولانه و عدم شناخت کافی از همدیگر و نداشتن معیار لازم در انتخاب همسر است. ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه رضی الله عنها یک الگوی بی‌همتا برای مسلمانان است که می‌توان با استخراج

معیارهایی که آن دو بزرگوار در زندگی مشترک و برای ازدواج داشته‌اند، برای زندگی امروزی و ازدواج مؤمنان نیز شاخصه‌ها و الگویی مناسب ارائه کرد. این مقاله، کوشیده است معیارهایی که حضرت خدیجه علیها السلام برای ازدواج با پیامبر در نظر داشته است، استخراج و معرفی کند. بر پایه این بررسی، یکی از معیارها از منظر حضرت خدیجه موضوع خویشاوندی با همسر آینده است؛ زیرا در رابطه خویشاوندی، شناخت بهتر از اخلاق و رفتار یکدیگر می‌توانیم داشته باشیم.

انتخاب همسر بر اساس نجابت و اصالت خانوادگی معیار دیگر حضرت خدیجه علیها السلام بود. به این معنی که شریک زندگی آینده و همسر از خانواده‌ای اصیل و ریشه‌دار باشد که در بین مردم به شرافت و پاکی و شایستگی اخلاق معروف باشند. دلیل اهتمام اولیای دین به شایستگی خانوادگی این است که ویژگی‌های خانواده از طریق ژن‌ها به فرزندان منتقل می‌شود.

امانت‌داری هم از آن ویژگی‌های اخلاقی است خدیجه در انتخاب همسر مد نظر داشته است؛ زیرا با امانت‌داری زن و شوهر با اطمینان خاطر در کنار هم زندگی می‌کنند. برای همین است که حضرت خدیجه در آن جمله معروفش که معیار و شاخصه انتخابش را برای پیامبر گرامی اسلام بیان می‌کند به امانت‌داری آن حضرت اشاره دارد که در میان مردم آنچنان به امانت شهره شده بود که لقب «محمد امین» یافته بود.

صداقت و راستگویی، از مهم‌ترین فضیلت‌های اخلاقی و انسانی است که در انتخاب همسر و خانواده، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و باعث استحکام بنیان خانواده می‌شود. حضرت خدیجه نیز هنگامی که به حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله پیشنهاد ازدواج می‌داد و شیفتگی خود را با معیارها و شاخص‌های انتخاب خود را به آن وجود گرامی اعلام می‌نمود، با تأکید بر صداقت و راستی آن بزرگوار بود.

یک از معیارهای مهم در انتخاب همسر از منظر حضرت خدیجه علیها السلام محبت و علاقه‌مندی میان زن و شوهر است. و این محبت و علاقه‌مندی به خاطر اوصاف اخلاقی که پیامبر اسلام داشت، به وجود آمده بود. البته عشق و علاقه خدیجه به رسول خدا صلی الله علیه و آله یکطرفه نبود، بلکه محبت دو جانبه بود. این واقعیت در خطبه که حضرت ابوطالب جاری نمود بر ملا کرد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۹ش)، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه: سید محسن موسوی، قم، دارالحدیث.
۴. ابن ابی حاتم، حاتم بن ابی عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹هـ)، تفسیر القرآن العظیم، عربستان، مکتبه نزار مصطفی الباز.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ش)، مناقب آل ابی طالب، قم، انتشارات علامه.
۶. ابن هشام، عبدالملک (بی تا)، السیره النبویه، بیروت، دارالمعرفه.
۷. امینی، ابراهیم (۱۳۶۹ش)، انتخاب همسر، قم، سازمان تبلیغات.
۸. انصاری زنجانی، اسماعیل (۱۴۲۸هـ)، الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهراء سلام الله علیها، قم، دلیل ما.
۹. بکری، احمد بن عبد الله (۱۴۱۱هـ)، الأنوار و مفتاح السرور و الأفكار فی مولد النبی المختار، قم، رضی.
۱۰. بیهقی، ابوبکر (۱۴۰۵هـ)، دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۱. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵ش)، همسر آفتاب، قم، طه.
۱۲. حسین خانی نایینی، هادی (پاییز و زمستان ۱۳۸۹ش)، «معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام»، اسلام و پژوهش های تربیتی، سال دوم، ش ۲.
۱۳. حمیری، عبد الله بن جعفر (۱۴۱۳هـ)، قرب الإسناد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول (ط الحدیثه).
۱۴. خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین، (۱۳۸۰ش)، تاریخ حبیب السیر: از حمله مغول تا مرگ شاه اسمعیل اول، چاپ چهارم، تهران، خیام.
۱۵. زمنخشی، جارالله (۱۴۱۸هـ)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۶. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴هـ)، الدر المنثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۱۷. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴هـ)، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. صفری، محمّد (۱۳۹۷ش)، زن و شوهر از نظر اسلام، مشهد، زرافشان.
۱۹. طبرسی، حسن (۱۳۷۰ش)، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی.
۲۰. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷هـ)، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ الطبری)، چاپ دوم، بیروت، دارالتراث.
۲۱. فلسفی، محمد تقی (۱۳۶۷ش)، الحدیث، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹هـ)، الکافی، قم، دار الحدیث.
۲۴. لوبون، گوستاو (۱۳۴۷ش)، تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سیدهاشم حسینی، تهران، اسلامیة.
۲۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴هـ)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۲۶. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹ش)، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ج دوم، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ش)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، قم، صدرا.
۲۸. مظاهری، علی اکبر (۱۳۸۸ش)، جوانان و انتخاب همسر، قم، پارسیان.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷ش)، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۳۰. الهادی، جعفر (۱۴۲۷هـ)، سید المرسلین، ج سوم، قم، جامعه مدرسین.
۳۱. هندی، متقی بن حسام الدین (۱۳۹۷هـ)، کنز العمال، بیروت، مكتبة التراث الإسلامی.
۳۲. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا)، تاریخ یعقوبی، قم، اهل بیت (علیهم السلام).